

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست‌وششم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

صص ۱۷۳-۲۰۵

بررسی بایسته‌های مدیریت انتظامی یکپارچه پلیس‌های تخصصی در پیشگیری از جرم^۱

شهرام مدنی^۲، صیاد درویشی^۳، هادی رفیعی کیا^۴، محمدعلی عامری^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

چکیده

زمینه و هدف: با توسعه بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری؛ سطح پیچیدگی جرایم نیز به‌طور چشم‌گیری بالا رفته است. مسأله قابل تأمل، گستردگی دامنه وظایف فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و تعدد پلیس‌های تخصصی است که به‌طور ویژه در راستای مقابله و پیشگیری از جرائم فعالیت دارند. بنابراین در این پژوهش، به بررسی بایسته‌های مدیریت انتظامی یکپارچه پلیس‌های تخصصی در پیشگیری از جرم، پرداخته شده است.

روش: این تحقیق، یک پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای جهت‌دار است که از نظر هدف، کاربردی است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۰ نفر هستند که در ابتدا ۱۸ نفر از مدیران ارشد پلیس‌های تخصصی و نیز معاونت عملیات فراجا از حوزه مرکزی به روش نمونه‌گیری هدفمند تا اشباع نظری انتخاب شده‌اند. سپس برای اتقان نظری بیشتر، ۲ نفر از کارشناسان خبره قضایی خارج از مجموعه فراجا نیز مشارکت داده شدند. روش گردآوری داده‌ها میدانی و ابزار آن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. داده‌ها به روش صوری و تکرارپذیری از نظر روایی و پایایی تأیید و همچنین برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شده است.

یافته‌ها: با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار، در مجموع ۱۳۶ مورد از بایسته‌های مدیریت انتظامی یکپارچه پلیس‌های تخصصی ذیل ۲۴ محور اصلی در راستای پیشگیری از جرم شناسایی شدند که برخورداری از بیش راهبردی، اشراف اطلاعاتی جامع، اطلاعات محوری، شبکه دانش و اطلاعات، اصلاح ساختار و بهبود فرایندها، خدمات‌رسانی مطلوب، پیشگیری مردم پایه، گفتمان‌سازی، تعامل فرا فعال، وحدت فرماندهی و هدایت عملیات انتظامی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هماهنگی یکپارچه عملیات انتظامی، طرح‌ریزی یکپارچه عملیات انتظامی، پیشگیری فناورانه یکپارچه، هوشمندسازی فرایندها از جمله شناسه‌های محوری آن هستند.

نتیجه‌گیری: مدیریت انتظامی یکپارچه پلیس‌های تخصصی در پیشگیری از جرم؛ مستلزم هماهنگی حداکثری پلیس‌های تخصصی فراجا در گام‌های مختلف برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی، پیاده‌سازی و اجرای فرایندهای پیشگیرانه از جرم است که توجه به شناسه‌ها و بایسته‌های شناسایی شده در این پژوهش می‌تواند فرماندهان، مدیران و رؤسای پلیس‌های تخصصی را در صحنه سیاست‌گذاری و میدان اجرای سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده راهنما و کمک‌کار باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت انتظامی، یکپارچه‌سازی، پیشگیری از جرم، پلیس‌های تخصصی، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

۱. مقاله کنونی برگرفته از رساله دکتری رشته مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه جامع علوم انتظامی امین است.

۲. دانش‌آموخته دکتری مدیریت پیشگیری از جرم، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین. تهران. ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

100hellofirst@gmail.com

۳. دانشیار گروه پیشگیری از جرم، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین. تهران. ایران. رایانامه: s49darvishi@gmail.com

۴. استادیار گروه پیشگیری از جرم، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین. تهران. ایران. رایانامه: zas1401salar@gmail.com

۵. دانشیار گروه پژوهشی انتظامی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی. تهران. ایران. رایانامه: m.ali.ameri.h@gmail.com

مقدمه

تعدد نظام‌های موازی و دوباره‌کاری‌ها به واسطه استقرار نظام‌های متفاوت مدیریتی، از جمله موانع و مشکلاتی است که سازمان‌های مختلف با آن گریبان‌گیر هستند (شجاعی، ۱۳۹۷، ۴۱). به طوری که در اثر افزایش فرایندهای متعدد، که در موارد زیادی نیز هماهنگی کامل بین آنها حاصل نمی‌شود، روند جریان داده و اطلاعات بین آنها دچار اختلال شده و باعث می‌شود؛ هر یک از سازمان‌ها و نهادها برای خود آرشویی از داده‌ها و اطلاعات خاص داشته باشند که به سادگی هم قابل ارائه به نهاد و سازمان دیگر برای بهره‌برداری و استفاده نیست. این امر زمینه بالا رفتن هزینه‌های مادی و زمانی هر یک از سازمان‌ها به صورت جداگانه، برای دستیابی به اطلاعات، آمارها، داده‌های تحقیقی و سایر مسائل شده و در نتیجه تأثیر منفی بر مدیریت کارآمد دارد (منافی و سرایی، ۱۳۹۵، ۳۲). به تاسی از این مسأله کلی که گریبان‌گیر نظام مدیریتی در حوزه‌های مختلف شده است؛ تغییرات پُرشتاب و مداوم در مؤلفه‌های اساسی وقوع جرائم، در کنار مسائلی همچون سیاست‌های متغیر دولت‌ها، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند انجام جرم، نقش تأثیرگذار امنیت در زندگی مردم و ... باعث شده است که پیشگیری از وقوع جرم، یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین حوزه‌های مدیریتی لقب گرفته و همواره نیازمند توجه ویژه باشد (شاطری‌پور، ۱۳۸۵، ۱۳). به طوری که نبود مدیریت متمرکز، وجود برخی خلأها و ابهامات قانونی، تداخل وظایف نهادهای دولتی و نبود راهبرد و برنامه‌های بومی و ملی، موجب اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات نامنسجم، نامتجانس و گاه متضاد در این حوزه شده است (گودرزی، ۱۴۰۰، ۳). در باب اهمیت توجه به این موضوع، همین بس که، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فرموده‌اند: پیشگیری از جرم، یک موضوع کاملاً علمی است. بر همین اساس باید برای شناسایی عوامل جرم و آسیب‌های ناشی از آن با صاحب‌نظران و کارشناسان این موضوع مشورت و همکاری شود. دیدگاه مقام رهبری (مدظله‌العالی) نیز برای حل مسئله

پیشگیری از جرم در جامعه، داشتن نگاه علمی به پیشگیری از جرم است و معظم له برخلاف برخوردهای سطحی، برخوردی عمیق و ریشه‌ای با جرم را مدنظر داشته و لازمه آن را شناسایی ریشه‌های بروز جرایم می‌داند و کمک گرفتن از سایر علوم را برای پیشگیری از جرم مورد تأکید قرار داده‌اند (حضرتی، ۱۴۰۲، ۳۰۱). بنابراین با امعان نظر به فرمایشات معظم له، مدیریت پیشگیری از جرم توسط متولیان مربوطه که فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی نیز یکی از بازیگران مهم آن است؛ بسیار با اهمیت بوده، برنامه‌ریزی و سازماندهی یکپارچه، هماهنگی بالا، نظارت و کنترل کارآمد، مداخلات به هنگام و مؤثری را برای حصول نتیجه مطلوب می‌طلبد، تا ضمن مهار روند رو به رشد وقوع جرایم در ابعاد مختلف، به کاهش جرم و تعدیل آثار آن منجر شود. بدیهی است در حال حاضر عمده مسئولیت پیشگیری و مقابله با جرایم در سطح فراجا بر عهده پلیس‌های تخصصی^۱ ۸ گانه (پیشگیری، آگاهی، مبارزه با مواد مخدر، امنیت عمومی، امنیت اقتصادی، فتا، راهور و پلیس بین‌الملل) بوده و هر کدام از آنها بنا به وظایف تعریف شده به انجام امورات محوله می‌پردازند. لیکن گستردگی دامنه فعالیت‌ها و تعدد پلیس‌های تخصصی، که هر یک به لحاظ ساختاری دارای سازوکارهای خاص خود هستند؛ باعث می‌شود، در موارد زیادی همگرایی مطلوبی بین آنها در راستای پیشگیری و مقابله با جرایم صورت نگرفته و به جهت ناهماهنگی کامل در اجرای مأموریت‌ها، نتیجه در خورتوجهی حاصل نشود. مضاف بر اینکه استقلال ساختاری هر کدام از پلیس‌های تخصصی، این سوال را در ذهن متبادر می‌سازد که؛ متولی اصلی مدیریت پیشگیری از جرم در فراجا، کدام بخش از پلیس است؟ چرا که کنش یا واکنش هر یک از آنها در راستای پیشگیری و مقابله با جرایم حوزه خود، تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم بر سایر بخش‌ها داشته و مأموریت آنها را تحت‌الشعاع خود

۱. به رده‌های اجرایی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران گفته می‌شود که مجری قوانین و مأموریت‌های

فراجا در راستای پیشگیری، کشف و مقابله با جرایم هستند.

قرار می‌دهد. به طوری که گاهی به سختی می‌توان مرز مشخصی بین دامنه فعالیت هر کدام از پلیس‌های تخصصی در نظر گرفت. با احتراز از موازی کاری و اقدامات پراکنده، می‌توان صرفه‌جویی قابل توجهی در منابع ارزشمند سازمانی حاصل کرد که مستلزم توجه بیشتر به یکپارچه‌سازی مدیریت انتظامی در گام‌های مختلف، شناسایی بایسته‌ها و الزامات یکپارچه‌سازی و کاهش حداکثری شکاف بین نظریه و عمل در این عرصه است. بنابراین پرسش اصلی پژوهش عبارت است از این که بایسته‌های مدیریت انتظامی یکپارچه پلیس‌های تخصصی در پیشگیری از جرم در فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه‌ها

با بررسی پژوهش‌های مختلف، تحقیقی که به‌طور مستقیم به مدیریت انتظامی یکپارچه در پیشگیری از جرم توسط فراجا پرداخته باشد، یافت نشد؛ لیکن به برخی از پژوهش‌های مرتبط با یکپارچه‌سازی در حوزه‌های مختلف که می‌تواند در شناسایی بایسته‌های مدیریت انتظامی یکپارچه در پیشگیری از جرم کمک نماید؛ اشاره می‌شود. امیری و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «توسعه الگوی یکپارچه برنامه‌ریزی و مدیریت در مناطق آزاد»، ضمن بررسی دو بخش برنامه‌ریزی مدیریت بحران و برنامه‌ریزی اقتضایی نتیجه گرفته‌اند که نقش تعدیل اثرهای اقتصادی و اجتماعی بر توسعه یکپارچه منطقه آزاد از طریق هماهنگی بین سازمان‌ها، بسترسازی و وحدت فرماندهی مناسب بوده و مستلزم یکپارچه‌چگی درون‌سازمانی، نهادی و برنامه‌ای می‌باشد. رضایت و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ»، به این نتیجه رسیده‌اند که پشتیبانی از جنگ‌های آینده، مستلزم مدیریتی منسجم و کارآمد به‌ویژه در سطوح راهبردی کشور به‌منظور بهره‌برداری صحیح از همه ظرفیت‌های ملی است. فرایند یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی باید در دو بعد یکپارچه‌سازی ملی (از طریق شورای عالی پشتیبانی از جنگ) و

یکپارچه‌سازی سازمانی (از طریق کمیته‌های برنامه‌ریزی و ستادهای پشتیبانی از جنگ) صورت پذیرد. بعد یکپارچه‌سازی ملی شامل دو مؤلفه یکپارچه‌سازی خدمات سازمان‌ها و یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها و بعد یکپارچه‌سازی سازمانی نیز شامل دو مؤلفه ایجاد و یکپارچه‌سازی بانک جامع اطلاعات و مؤلفه یکپارچه‌سازی فرآیندها و فرموله کردن آن‌ها می‌باشد.

فرجی‌راد و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی باعنوان «هوشمندسازی مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی (زلزله) در شهر تهران» به این یافته دست پیدا کرده‌اند که هوشمندی در مدیریت انتظامی بحران زلزله در سه بُعد نهادی، سازمانی، انسانی و فناوری قابل دسته‌بندی است. این ابعاد در چهار زمینه اساسی یکپارچگی مدیریتی، اطلاعاتی، پشتیبانی و عملیاتی قابل تحقق هستند و نتیجه‌گیری کردند، دلیل استفاده محدود از روش‌های هوشمند در مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی (زلزله) را می‌توان در نداشتن الگوی مناسب دانست.

نعمتی شمس‌آباد و معینی (۱۳۹۴)، در پژوهشی باعنوان «یکپارچه‌سازی سیستم‌های اطلاعات بین سازمانی - ارائه مدلی برای شناخت دامنه مسأله یکپارچه‌سازی»، به این نتیجه رسیده‌اند که نگرش سیستمی به سازمان با آشکار کردن پیچیدگی‌های این مسئله، شناخت آن را آسان‌تر می‌کند. توجه به یکپارچه‌سازی سیستم‌های فناوری اطلاعات و لایه‌های آن (لایه‌های مدیریت داده‌ها، برنامه‌های کاربردی و واسط کاربر) که نوعی سیستم فنی محسوب می‌شود؛ لازم بوده و از طرفی توجه به یکپارچه‌سازی سیستم‌های هوش، دانش و فرهنگ سازمان نیز برای افزایش ارزشی که بر اثر اقدام‌های سازمانی درست بر مبنای تصمیم‌های صحیح در سیستم فعالیت‌های انسانی و فرایندهای سازمانی تولید می‌شود، ضرورت دارد. ساده‌کردن پیچیدگی‌های مضاعف یکپارچه‌سازی سیستم‌های اطلاعات بین سازمانی، از طریق نگرش سیستمی به تعامل‌هایی که دست‌کم بین دو سازمان وجود دارد و مدل کردن این تعامل‌ها با رویکرد

سیستمی امکان‌پذیر است. مضاف بر اینکه مسأله یکپارچه‌سازی بین سطوح مختلف با حرکت از سیستم‌های درونی سازمان به سوی محیط سازمان، پیچیده‌تر می‌شود. این پیچیدگی به دلیل افزایش تعداد عوامل و متغیرهای مسأله و تأثیر آنها بر یکدیگر و افزایش تنوع و تعداد حالت‌ها است.

منتظری و ستوده (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر استقرار سیستم مدیریت یکپارچه بر بلوغ سازمانی»، به این نتیجه رسیده‌اند که سیستم مدیریت یکپارچه و زیرسیستم‌های فرعی آن، شامل سیستم مدیریت کیفیت، سیستم مدیریت زیست‌محیطی و سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت حرفه‌ای، بر بلوغ سازمانی، تأثیر مثبت و معناداری دارد. اسپروپولوس^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان «همکاری در اجرای قانون مبتنی بر داده‌های یکپارچه برای تجزیه و تحلیل صحنه جرم»، به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش دخالت علم در حل جرایم، ذهنیت‌گرایی انسانی نیز افزایش می‌یابد که اغلب به نتیجه‌گیری‌های اشتباه و در نتیجه قضاوت‌های نادرست منجر می‌شود که این امر، نیاز به ایجاد یک سیستم اطلاعاتی یکپارچه در راستای پیشگیری و مقابله با جرایم را بیشتر جلوه می‌نماید. تجمیع اطلاعات مربوط به اثر انگشت، اطلاعات ژنتیکی، داده‌های دیجیتال، اطلاعات، عکس‌ها و گزارش‌های پزشکی قانونی و همچنین داده‌های تحقیقی مانند اطلاعات شهود، اظهارات و اقرار متهم و... از صحنه‌های مختلف جنایت که می‌تواند از طریق استدلال رسمی به کشف جرایم منتهی شود، از جمله آنهاست. بنابراین؛ یک سیستم اطلاعاتی یکپارچه تقویت شده با قابلیت پیاده‌سازی و اجرا از طریق همکاری سیستم عدالت کیفری به خصوص پلیس، می‌تواند به حل جرایم کمک کند. ضمن اینکه در عین حال، همکاری نزدیک‌تر دانشگاه‌ها، جامعه مدنی و نهادهای دولتی از طریق پرورش فرهنگ مشارکت برای خیر عمومی دارای اهمیت بسیار است.

مازورانا و آلمیدا^۱ (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان «حلقه اطلاعات یکپارچه: چالش ادغام پلیس مدنی و نظامی»، به این نتیجه رسیده‌اند که به‌منظور ادغام و یکپارچه‌سازی بخش‌های مختلف پلیس، لازم است به توسعه تجزیه و تحلیل در مورد جنبه‌های مربوط به سازمان و فرهنگ نهادهای پلیس توجه بیشتری شود. تا محدودیت‌ها و توانایی ادغام و یکپارچگی بین بخش‌های پلیس بهتر درک شود.

باربوزا^۲ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «سیستم‌های مدیریت یکپارچه و تأثیرات سازمانی آنها»، به این نتیجه رسیده‌اند که مزایای مهم سیستم مدیریت یکپارچه مانند بهبود عملکرد عملیاتی، کاهش هزینه‌ها، توسعه پایدار، رضایت ذی‌نفعان، کاهش خطرهای شغلی و غیره، تمایل گسترده به ادغام سیستم‌های مشابه است.

رابرتسون^۳ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «یکپارچگی و ادغام خدمات مراقبتی و اجتماعی در اسکاتلند»، عنوان کرده است که به‌طور کلی، یکپارچگی خدمات به‌عنوان راهی برای کاهش هزینه‌ها، استفاده بهینه از منابع و دستیابی افراد به نتایج بهتر در نظر گرفته می‌شود. در کشور اسکاتلند مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت یکپارچگی شامل ارزش‌های مشترک، هماهنگی خدمات، همکاری میان رشته‌های مختلف، انسجام قوانین و سیاست‌ها در سطح سازمانی است. موفقیت شبکه‌ها به ایجاد اعتماد میان مشارکت‌کنندگان و افراد حرفه‌ای که با هم کار می‌کنند، وابسته است. همچنین، برای موفقیت شبکه، مشارکت‌کنندگان باید درک مشابه خود را از اهداف شبکه به اشتراک بگذارند که به شناسایی و از بین بردن هم‌پوشانی و شکاف‌ها کمک می‌نماید. بر اساس این تحقیق، چهار دسته از عوامل زمینه‌ساز و موانع یکپارچگی خدمات در کشور اسکاتلند شناسایی شده‌اند که عبارت‌اند از: مسائل سازمانی، مسائل مالی، عوامل مربوط به مردم و روابط، مسائل سیاسی.

1. Mazzurana, M. & Almeida, V

2. Barboza

3. Robertson, H

مدیروسی و زیوت^۱ (۲۰۲۰)، در پژوهشی باعنوان «برنامه‌ریزی و حکمروایی شهری پایدار و یکپارچه در کلان‌شهرها و شهرهای متوسط»، نشان دادند که راهبردهای یکپارچه برای توسعه پایدار شهری، انگیزه‌ای برای برنامه‌ریزی راهبردی پایدار ایجاد می‌کند؛ اما می‌تواند به‌ویژه از طریق مشارکت فعال شهروندان و ذی‌نفعان در تدوین و اجرای این راهبردهای یکپارچه برای توسعه پایدار شهری تقویت شود. مولیجیویچ^۲ (۲۰۱۸)، در پژوهشی باعنوان «برنامه‌ریزی یکپارچه در نظریه و عمل»، با مطالعه در مورد توسعه رویکرد یکپارچه به برنامه‌ریزی نتیجه‌گیری نموده‌اند که همگام با توسعه اقتصادی - اجتماعی و افزایش آگاهی مردم از نیاز به ایجاد محیط‌های پایدار و تاب‌آور که بالاترین اهداف توسعه را در سطح جهانی، منطقه‌ای ارائه می‌دهد؛ رویکرد یکپارچه‌سازی در مدیریت و برنامه‌ریزی نیز تکامل می‌یابد.

مبانی نظری

مدیریت، فعالیت منظمی است در جهت تحقق هدف‌های معین که از طریق ایجاد روابط میان منابع موجود، انجام‌دادن کار با مشارکت افراد دیگر و شرکت فعال در تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد. هر چند نظریه‌پردازان علم مدیریت درباره وظایف مدیر دیدگاه یکسانی ندارند؛ اما در مورد این پنج وظیفه اصلی، شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، رهبری و کنترل اتفاق نظر دارند؛ بنابراین، به تأسی از آن، روشن است که مدیریت انتظامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و می‌توان گفت مدیریت انتظامی، فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و اعمال کنترل بر تلاش‌ها و فعالیت‌های اعضای فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و نیز استفاده از منابع سازمانی برای نیل به اهداف اعلان‌شده از جمله پیشگیری از جرم می‌باشد که در ماده ۴ قانون تشکیل ناجا به آن اشاره شده است (جزینی، ۱۳۹۱، ۲۰). سه دیدگاه درباره

1. Medirose and Zwet
2. Milojevic, B

نظریه‌های جدید مدیریت از اهمیت بیشتری برخوردارند که، نگرش سیستمی، روش اقتضایی و پدیده‌ای (مبارزه‌ای پویا) از جمله آنهاست. در نگرش سیستمی، به‌جای اینکه بخش‌های مختلف سازمان را جداگانه مورد مطالعه و توجه قرار دهند، سازمان را به‌صورت یک واحد و یک سیستم منسجم، یکپارچه و هدف‌دار که از اجزای مختلف به‌هم پیوسته تشکیل شده است، در نظر می‌گیرند؛ چنین رویکردی بیانگر آن است که در نظریه سیستم‌ها، فعالیت هر بخش از سازمان به مقیاسی مختلف و متفاوت بر فعالیت سایر بخش‌ها اثر می‌گذارد. همچنین طبق نظریه نگرش اقتضایی، کار مدیر این است که دریابد چه روشی در یک حالت خاص، با موقعیتی ویژه و در زمانی مشخص، می‌تواند به بهترین نحو برای تأمین هدف‌های مدیریت، مؤثر واقع شود. از نظر نگرش پدیده‌ای نیز، با گسترش فناوری و ارتباطات جهانی، دنیا به دهکده جهانی تبدیل شده و مرزهای جغرافیایی مخدوش شده است. در شرایط کنونی تنش در سطح مدیریت و سازمان‌ها افزایش یافته است که مدیران موفق ناگزیر از اندیشه درباره روابط انسانی و انطباق با شرایط سیال جهت مبارزه پویا با تغییرات محیطی هستند (اعرابی، ۱۳۸۵، ۱۳-۱۸).

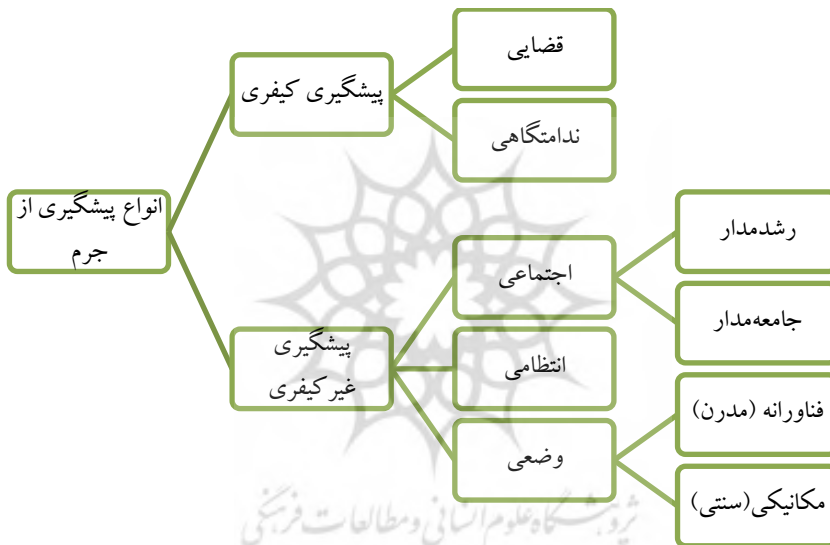
بدیهی است مدیریت پیشگیری از جرم از دو جزء مدیریت و پیشگیری تشکیل شده است که با تأسی از آن، مدیریت پیشگیری از جرم نیز عبارت است از: اعمال مؤلفه‌های چهارگانه مدیریت در هر یک از انواع سه‌گانه (اولین (اولیه)، دومین (ثانویه) و سومین (ثالث)) پیشگیری از جرم. از این‌رو چنانچه این مؤلفه‌ها به‌صورت متمرکز در مدیریت پیشگیری از جرم معمول شود؛ مدیریت یکپارچه پیشگیری از جرم حاصل می‌شود. به دیگر سخن مدیریت پیشگیری از جرم شامل ۱۲ وظیفه برنامه‌ریزی برای پیشگیری اولیه، سازماندهی پیشگیری اولیه، هماهنگی برای پیشگیری اولیه و کنترل برای پیشگیری اولیه. به همین ترتیب برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل برای پیشگیری‌های دومین (ثانویه) و سومین (ثالث) (جزینی، ۱۳۹۱، ۱۸۴) را شامل می‌شود. برنامه‌ریزی برای پیشگیری از جرم، به‌عنوان اولین مؤلفه از مؤلفه‌های مدیریت دارای انواع و اقسام

گونناگونی است که به لحاظ علمی می‌توان آن را در دو سطح برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و عملیاتی، برنامه‌ریزی بلندمدت و راهبردی تقسیم‌بندی کرد. در برنامه‌ریزی بلندمدت و راهبردی به تبیین و تحلیل فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها پرداخته می‌شود و براین اساس می‌توان چشم‌انداز، مأموریت و راهبردهای پیشگیری از جرم را در هر یک از مراحل سه‌گانه پیشگیری تعریف و برنامه ملی را در افق پنج‌ساله تدوین کرد. مضاف بر اینکه در پرتو برنامه راهبردی می‌توان برنامه عملیاتی کوتاه‌مدت نیز برای پیشگیری از جرم تدوین کرد. همچنین لازم است نهادهای مختلف اعم از دولتی، خصوصی و مردمی با توجه به تفاوت‌های ماهوی هر یک از انواع پیشگیری، مسئول‌سازی شوند. افزون بر این که هماهنگی عوامل درون و برون‌سازمانی در مدیریت پیشگیری از جرم نیز مورد تأکید است. در نهایت به منظور اعمال مدیریت، باید عملکرد سیستم پیشگیری از جرم در هر یک از مراحل کنترل و مورد ارزیابی قرار گیرد تا انحراف از برنامه‌ها مشخص و فرایندها بهبود و اصلاح شود. برآیند این اقدامات به مدیریت پلیس در پیشگیری از جرم منجر می‌شود (تای بولت^۱، ۱۹۹۷، ۱۸۶). مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم (آی‌سی‌سی‌سی^۲، ۲۰۱۲: ۱۳)، این عبارت را مترادف با هر عملی می‌داند که باعث کاهش بزهکاری، خشونت، ناامنی، از طریق مشخص کردن و حل کردن عوامل ایجادکننده این مشکلات به روش علمی است (آی‌سی‌سی‌سی، ۲۰۱۲، ۱۳)؛ بنابراین در این تعریف از طرفی بر شناسایی و از طرف دیگر بر حل کردن آن تأکید شده است. همچنین برابر ماده ۱ قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۱۷، پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از: پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای ازمیان‌بردن یا کاهش آن. بر همین اساس، فرایند پیشگیری از جرم در کشور ایران، دارای ۴ بُعد اصلی است که پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم، جزء مبانی نظری پیشگیری از جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از

1. tie bolt

2. International Report on Crime Prevention and Community Safety(ICPC)

میان‌بردن و کاهش آن، جزو مبانی عملی آن است (بارانی و مدنی، ۱۴۰۱، ۸). همچنین برای پیشگیری از جرم دسته‌بندی‌های مختلفی صورت گرفته است که تقسیم‌بندی بر اساس مداخلات سیستم عدالت کیفری از شاخص‌ترین آنهاست. از این منظر، پیشگیری به دو نوع پیشگیری کیفری و غیر کیفری تقسیم شده است که پیشگیری کیفری خود شامل پیشگیری قضایی و ندامتگاهی و نیز پیشگیری غیر کیفری شامل پیشگیری وضعی، اجتماعی و انتظامی است (سلیمی، ۱۳۹۷، ۴۲-۵۱).



شکل شماره (۱): انواع پیشگیری از جرم

با امعان نظر به موارد ذکر شده، بدیهی است پیشگیری از جرم و مدیریت آن توسط پلیس به‌عنوان یکی از ارکان امنیت‌ساز جامعه و عنصر مهم دستگاه عدالت کیفری؛ نیازمند مدیریت انتظامی هوشمندانه‌ای در هر سه سطح پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث می‌باشد؛ لیکن مداخلات پلیس در کشور ایران با نیم‌نگاه به سطح ثانویه و کنشگری در سطح اولیه، عمدتاً معطوف به سطح سوم می‌باشد. از این جهت، پیشگیری انتظامی توسط پلیس را شامل کلیه اقدامات و تدابیر پیشگیری، اعم از کیفری و غیر کیفری است

که توسط فراجا به منظور پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدام‌های لازم برای ازمیان‌بردن یا کاهش آن به عمل می‌آید (فرجی‌ها، ۱۳۸۹، ۲۵)؛ بنابراین پیشگیری انتظامی توسط پلیس، مستلزم مدیریت انتظامی فعال و فرا فعال با تکیه بر ارتقاء دانش، مهارت و سطح توانایی کارکنان خود است، به طوری که پاسخ‌گوی مطالبات عمومی در راستای پیشگیری، کشف و مقابله با جرایم باشد. همان‌طور که پیشتر گفته شد؛ در شرایط کنونی، پلیس‌های تخصصی ۸ گانه فراجا در کانون فرایند پیشگیری، کشف و مقابله با جرایم قرار دارند که هر کدام از آنها با ساختاری مستقل و بنا به شرح وظایف خود، در سطوح مختلف پیشگیری از جرم نقش داشته و فعالیت می‌نمایند. اما نکته قابل تأمل، پیچیده شدن سطح جرایم و در هم تنیدگی دامنه اثر آنهاست که در موارد زیادی مرز مشخصی نداشته و حوزه‌های مختلف از پلیس‌های تخصصی را در بر می‌گیرد؛ مشخص است که پیشگیری، کشف و مقابله با این گونه جرایم، نیازمند برنامه‌ریزی و هماهنگی بالا و مدیریت انتظامی یکپارچه‌ای برای حصول نتیجه مطلوب می‌باشد که باید وحدت مدیریت و فرماندهی، یکپارچگی کامل سیستم‌های تعریف شده در سطح پلیس‌های تخصصی و نیز تکمیل فرآیند اطلاعاتی، هماهنگی کامل تا به نتیجه مطلوب دست یافت. از این رو ضرورت یکپارچه‌سازی مدیریت انتظامی و توجه به بایسته‌های آن در راستای پیشگیری و مقابله با جرایم بیش از پیش ملموس تر می‌شود. بدیهی است، عبارت یکپارچه‌سازی سیستم‌های مدیریتی صرف نظر از نوع سیستم، در متون علمی سابقه‌ای طولانی دارد (نعمتی شمس‌آباد و معینی، ۱۳۹۴، ۶۷۸). گریفیت^۱ (۲۰۰۰)، استدلال می‌کند که سیستم مدیریت یکپارچه، فرصتی برای ایجاد یک ساختار مدیریت افقی میان کارکردی در سازمان فراهم می‌نماید و روشی جهت رسیدگی به مسائل مختلف در همان سیستم است. جکسون^۲ (۲۰۰۱) معتقد است، یک سیستم مدیریت یکپارچه باید به صورتی پایدار و محکم بر

1. Griffith
2. Jackson

اساس نیازها و ارزش‌های کسب و کار برقرار شود. سیستم مدیریت یکپارچه به‌عنوان یک مجموعه واحد از فرآیندهای به‌هم پیوسته که مجموعه منحصر به فردی از انسان، اطلاعات، مواد، زیرساخت‌ها و منابع مالی را به‌منظور دستیابی به اهداف چندوجهی مربوط به رضایت انواع گروه‌های ذینفع فراهم می‌آورد، تعریف شده است (کاراپتروویچ^۱، ۲۰۰۳، ۲۷). می‌توان گفت، در سیستم مدیریت یکپارچه، چندین سیستم مدیریت تحت یک ساختار مشترک برای آسان نمودن مستندسازی‌ها، تسهیل اصلاحات و هموارکردن مسیر برای هم‌افزایی بین سیستم‌ها، با یکدیگر منسجم و یکپارچه می‌شوند (آدرین^۲، ۲۰۱۵، ۳۷). از نظر ویکتوریا^۳ (۱۹۹۹)، یکپارچه‌سازی سیستم‌ها یعنی ترکیب کارکردهای مجموعه‌ای از زیرسیستم‌ها به‌منظور فراهم آوردن سیستمی منفرد که برخی از نیازهای سازمان را برآورده کند. این زیرسیستم‌ها می‌توانند سخت‌افزاری، نرم‌افزاری یا از هر دو گونه باشند و فقط اتحاد فیزیکی آنها مد نظر نیست. چهار مدل مفهومی که در ادبیات یکپارچه‌سازی سیستم‌ها مطرح شده است؛ عبارتند از ۱. یکپارچه‌سازی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها مانند یکپارچه‌سازی بستر (پلاتفرم)، یکپارچه‌سازی داده، یکپارچه‌سازی نمایش، یکپارچه‌سازی کنترل و یکپارچه‌سازی فرایند؛ ۲. یکپارچه‌سازی رابطه یا وابستگی؛ ۳. یکپارچه‌سازی بر پایهٔ مخزن اطلاعات برای به اشتراک‌گذاری داده‌ها و ۴. یکپارچه‌سازی چندسطحی با سه سطح فرایندها، سطح سرویس‌های کاربر نهایی و سطح سازوکارها (پاچمن و آلت^۴، ۲۰۰۴، ۳۰۱). مسأله یکپارچه‌سازی سیستم‌ها ابعاد گوناگونی دارد. از نظر هاسل برینگ^۵ (۲۰۰۰)، سه بعد مهم یکپارچه‌سازی که دامنهٔ مسأله یکپارچه‌سازی را مشخص می‌کند؛ خودمختاری، متجانس نبودن و

1. Karapetrovic

2. Adrin

3. Victoria, S.

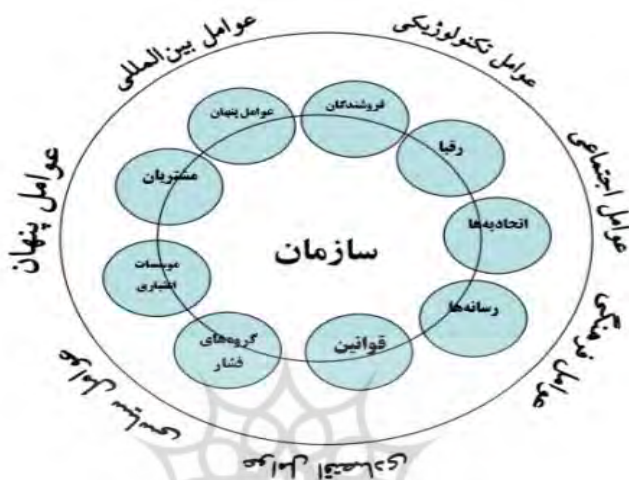
4. Puschman, T. & Alt, R

5. Hasselbring, W

توزیع شدگی است. مسأله یکپارچه‌سازی سیستم‌های اطلاعات از بعد خودمختاری، با ایجاد هماهنگی و تغییرات سازمانی حل می‌شود. متجانس نبودن سیستم‌ها، از تفاوت بسترهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ناشی می‌شود و غلبه بر مسأله توزیع شدگی نیز با سرویس‌های برنامه‌های واسط بین کاربران به منظور ارتقاء امنیت شبکه (پروکسی^۱) امکان‌پذیر است. از این رو اسکوگلاند^۲ (۲۰۰۲)، چهار درجه متمایز یکپارچه‌سازی را سیستم یکسان (واحد) که دو سیستم در یک سیستم به صورت سخت ترکیب شده‌اند و تغییرات یکی دیگری را تغییر می‌دهد؛ سیستم متقاطع که در آن بخش‌هایی از دو سیستم همپوشانی مفهومی دارند و قواعد مشابه به اشتراک گذاشته می‌شود، اما داده‌ها متفاوت است؛ سیستم به هم پیوسته (مرتبط) هر سیستم مدل مفهومی و قواعد محلی خودش را دارد، اما داده‌ها از طریق پیام مبادله می‌شود و ارتباط بین سیستم‌ها شکل می‌گیرد، از این رو تغییرات محلی در هر سیستم بر دیگری اثر ندارد؛ سیستم مستقل که در آن سیستم‌ها در عمل با هم رابطه‌ای ندارند و در جزیره‌های مستقلی قرار گرفته‌اند؛ می‌داند. به طور معمول سطح یکپارچه‌سازی، درجه یا میزان یکپارچه‌سازی را در ذهن تداعی می‌کند. برای مثال دو سازمان یا سیستم می‌توانند با درجه‌های مختلفی با هم یکپارچه شوند. برای رسیدن به درجه واقعی و عملیاتی یکپارچگی، باید فرایندها یکپارچه‌سازی شوند و برای ایجاد سرویس‌های ارتباطی بین دو سازمان باید از استانداردهای ارتباطی یکسانی استفاده کرد (پاچمن و آلت، ۲۰۰۴، ۷۴۱)؛ بنابراین یکپارچگی در سازمان‌ها به میزان و درجه‌ای که واحدهای درون سازمانی به روشی هماهنگ و منسجم عمل می‌کنند، اشاره دارد. براین اساس هماهنگی و یکپارچگی از عوامل مهم موفقیت سازمان‌ها می‌باشد و توجه به یکپارچگی افراد با سازمان و ایجاد هماهنگی بین آنها می‌تواند در کارایی افراد و تحقق اهداف سازمان نقش مواری داشته باشد (نوروزی، ۱۳۸۹، ۴۳). مضاف بر اینکه نوع کنش یا واکنش بازیگران به عوامل

1. proxy servers
2. Skoglund

محیطی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های یک سازمان برای اتخاذ رویکردهای مختلف مدیریتی اعم از ادغام، یکپارچگی عمودی و افقی در یک فضای رقابتی تحت فشار ذی‌نفعان می‌باشد (بوت کس و ایبرنز، ۲۰۱۹، ۳۵).



شکل شماره (۲): انواع محیط‌های سازمان و محدوده آنها (سلیمی دانشگر، ۱۳۸۳، ۱۵)

همچنین ادغام سیستم‌های مدیریت می‌تواند به عنوان فرآیند به کارگیری همزمان سیستم‌های مدیریتی با وظیفه خاص تحت یک سیستم مدیریت یکپارچه ساده‌تر و اثربخش‌تر معرفی شود. درجه چنین ادغامی بسیار متفاوت است و به عواملی چون شرایط حاکم بر سازمان، نیازمندی‌های استانداردها و راهبردها بستگی دارد (بکمرهاگن و همکاران). ادغام ناظر بر ترکیب دو یا چند سازمان با یکدیگر و ایجاد سازمان جدید است. (شرمن و هارت) نیز ادغام را ترکیب دو یا چند سازمان در یک سازمان بزرگتر می‌داند. ترکیب و ادغام اگر موفقیت‌آمیز باشد، زمینه موفقیت آن سازمان نیز فراهم خواهد شد. تحقق ادغام موفقیت‌آمیز مستلزم بررسی چگونگی فرآیند آن است که برای سازمان‌ها، مسأله‌ای کلیدی محسوب می‌شود. فرایند ادغام را می‌توان در قالب سه

1. Buttkus, Michael & Eberenz, Ralf
2. Sherman, A. J. & Hart, M. A

مرحله برنامه‌ریزی پیش از ادغام، ادغام و یکپارچه‌سازی پس از ادغام مشخص کرد (رهنورد، ۱۳۹۶، ۵۷۴).



شکل شماره (۳): فرآیند ادغام سه مرحله‌ای (رهنورد، ۱۳۹۶، ۵۷۵)

باید در نظر داشت که ادغام نوعی تغییر است. بنابراین، با فرآیند سه مرحله‌ای تغییر همخوانی دارد که شامل آمادگی برای تغییر، مدیریت تغییر و تثبیت تغییر می‌شود. در هر گام لازم است اقدامات ذیل انجام پذیرد:

- گام اول (آمادگی برای تغییر): ۱. تعریف راهبرد؛ ۲. آماده‌سازی تیم مدیریت تغییر و ۳. طراحی مدل حمایتی.
- گام دوم (تغییر مدیریت): ۱. تدوین برنامه‌های تغییر مدیریت و ۲. اقدام به اجرای برنامه‌ها.
- در گام سوم (تغییر تثبیت): ۱. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها؛ ۲. تشخیص شکاف‌ها و مدیریت مقاومت افراد و ۳. اجرای اقدامات مناسب و برگزاری جشن موفقیت (کریسی و استایس، ۲۰۱۵).

نظریه‌های مدیریت یکپارچه

رویکرد نگرش سیستمی: همان‌طور که پیشتر گفته شد، نگرش سیستمی مبتنی بر کل‌گرایی، ارتباط کل‌ها با یکدیگر و با کل‌های بزرگتر و نگاه غیرخطی و شبکه‌ای بر روابط بین پدیده‌هاست. تفکر سیستمی برای مقابله با ابعاد چندگانه و پیچیده مشکلات مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از کاربرد نگرش سیستمی در تحلیل هر پدیده‌ای،

شناخت هر سیستم با کلیت و جامعیت و پیچیدگی و پویایی خاص خودش و آثار و انواع روابط متقابل میان اجزا و عوامل آن است. با بررسی رفتار و کارکرد یک سیستم، می‌توان قوانینی را کشف کرد که برای تأثیرگذاری بر روی آن سیستم و تغییر آن ضروری است و به کمک این بررسی‌ها می‌توان سیستم‌های دیگری به وجود آورد (اعتباریان خوراسگانی، ۱۳۸۰، ۴۴).

پنجره واحد خدمات: پنجره واحد یک سیستم یکپارچه و متمرکز است که افراد و سازمان‌های دولتی را قادر می‌سازد تا اطلاعات را از طریق یک نقطه دستیابی (به صورت الکترونیکی)، به دست آورند. در واقع پنجره واحد یک ورودی واحد یکپارچه برای ارائه خدمات دولتی در یک میدان موضوعی خاص یا برای یک هدف خاص و گروه هدف مشخص است که در شکل‌های مختلف اجرا می‌شوند و بر اساس حوزه و دامنه برنامه‌های مورد پوشش یا ارجاع شده، خدمات متنوعی را ارائه می‌دهند. / بکن^۱، خدمات پنجره واحد، همکاری بین برنامه‌های موجود را از طریق تسهیل برخی اقدامات اجرایی و تقویت و توسعه ارتباطات بین برنامه‌ها افزایش داده و به ساخت یک سیستم منسجم، محدود کردن هم‌پوشانی‌ها، تکه‌تکه شدن طرح‌ها و در نهایت به بهبود کارایی آنها، کمک می‌کند. پنجره واحد خدمات به دلایل زیر به اجرای خدمات اجتماعی مؤثر کمک می‌کند: افزایش دسترسی برنامه‌ها و ارائه خدمات تطبیق یافته به ذی‌نفعان؛ تسهیل همکاری و نظارت بر سیاست‌های حمایت اجتماعی ملی؛ ایجاد هم‌افزایی و همکاری بین مداخلات و افزایش کارایی آنها؛ قدرت بخشیدن به سطح محلی (جهانشیری، ۱۳۹۹، ۶۱).

روش

پژوهش کنونی از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی (اکتشافی) و از لحاظ ماهیت، کیفی (تحلیل محتوای جهت‌دار) است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۰ نفر هستند که در ابتدا ۱۸ نفر از مدیران ارشد پلیس‌های تخصصی و نیز معاونت عملیات فراجا از حوزه مرکزی به روش نمونه‌گیری هدفمند تا اشباع نظری انتخاب شده‌اند. سپس برای اتقان نظری بیشتر ۲ نفر از کارشناسان خیره قضایی خارج از مجموعه فراجا نیز مشارکت داده شدند. برای اعتبار و روایی تحقیق کیفی از روش‌های راثو^۱ و پری^۲ و از روش اعتبار درونی با استفاده از روش‌های تثلیث (استفاده از منابع تأییدگر)، کسب اطلاعات دقیق مبتنی بر مفروضات تأییدگر، انتخاب نمونه برای پرمایگی اطلاعات، کنترل‌های اعضاء و مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، جهان‌بینی و جهت‌گیری‌های نظری محقق بهره گرفته شده است. همچنین از روش اعتبار بیرونی و با استفاده از روش‌های توصیف غنی داده‌ها، انتخاب نمونه برای تکرارپذیری نظریه، استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل و نیز از روش اعتبار سازه با روش، جمع‌آوری داده‌ها از منابع متعدد که مقیاس‌های متعددی را برای یک پدیده فراهم می‌سازد، ایجاد تثلیث از پرسش‌های مصاحبه و تحلیل موارد منفی بهره گرفته شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا انجام شده است.

یافته‌ها

الف: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: در این بخش ویژگی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه به شرح جدول شماره (۱)، آمده است.

جدول شماره (۱): اطلاعات مربوط به مصاحبه‌شوندگان

ردیف	کد مصاحبه شونده	جنسیت	یگان	مدرک تحصیلی
۱	X1	مرد	پلیس امنیت اقتصادی	دکتری مدیریت راهبردی
۲	X2	مرد	پلیس بین‌الملل	دکتری مدیریت بحران
۳	X3	مرد	پلیس راهور	دکتری مدیریت
۴	X4	مرد	پلس آگاهی	دکتری دفاع ملی
۵	X5	مرد	معاونت عملیات	دکتری دفاع ملی
۶	X6	مرد	سازمان اطلاعات فراجا	کارشناس ارشد اطلاعات
۷	X7	مرد	سازمان اطلاعات فراجا	کارشناس ارشد اطلاعات
۸	X8	مرد	دانشگاه علوم قضایی	دکتری مدیریت
۹	X9	مرد	مرکز مطالعات راهبردی فراجا	دکتری مدیریت پیشگیری از جرم
۱۰	X10	مرد	پلیس مواد مخدر	دکتری مطالعات امنیت ملی
۱۱	X11	مرد	پلیس مواد مخدر	کارشناس ارشد مدیریت اطلاعات
۱۲	X12	مرد	معاونت عتف فراجا	دکتری مدیریت پیشگیری از جرم
۱۳	X13	مرد	پلیس فتا	دکتری مدیریت پیشگیری از جرم
۱۴	X14	مرد	دانشگاه جامع علوم انتظامی امین	دکتری مدیریت پیشگیری از جرم
۱۵	X15	مرد	پلیس پیشگیری فراجا	دکتری مدیریت پیشگیری از جرم
۱۶	X16	مرد	معاونت عملیات	دکتری مدیریت پیشگیری از جرم

کارشناس ارشد حقوق عمومی	پلیس راهور	مرد	X17	۱۷
دکتری فناوری اطلاعات و ارتباطات	پلیس فتا	مرد	X18	۱۸
کارشناسی ارشد حقوق تجارت و بین‌الملل	کانون وکلای دادگستری	مرد	X19	۱۹
کاشناسی ارشد حقوق خصوصی	کانون وکلای دادگستری	زن	X20	۲۰

ب. یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها: در این بخش یافته‌های حاصل از

تحلیل مصاحبه مشارکت‌کنندگان به شرح جدول شماره (۲)، آمده است.

جدول شماره (۲): بایسته‌ها و محورهای اصلی مدیریت انتظامی یکپارچه پلیس‌های تخصصی پیشگیری از جرم

ردیف	بایسته‌ها	محورهای اصلی
۱	رصد، پایش و پایش محیط سایبر، واکنشی سایبری، تحلیل سایبری	اشراف اطلاعاتی سایبری
۲	آموزش پیشگیری از جرایم سایبری، دانش محوری، نصب دوربین‌های توزین، چهره زن، پلاک خوان و ...، نظام‌مند شدن پایش تصویری، کنشگری فعال در به‌روزرسانی قوانین حوزه سایبر	پیشگیری فناورانه یکپارچه
۳	توسعه بعد سخت‌افزاری مدیریت یکپارچه، توسعه بعد نرم‌افزاری مدیریت یکپارچه، توسعه بعد انسان‌افزاری مدیریت یکپارچه، تعریف مرکز اصلی نقطه راهبردی، رفع خلاء‌های انسانی - اتصال سامانه‌های فراجا به سامانه جامع سایر سازمان‌ها، یکپارچگی سامانه‌های پلیس‌های تخصصی، استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش بنیان	هوشمندسازی فرایندها

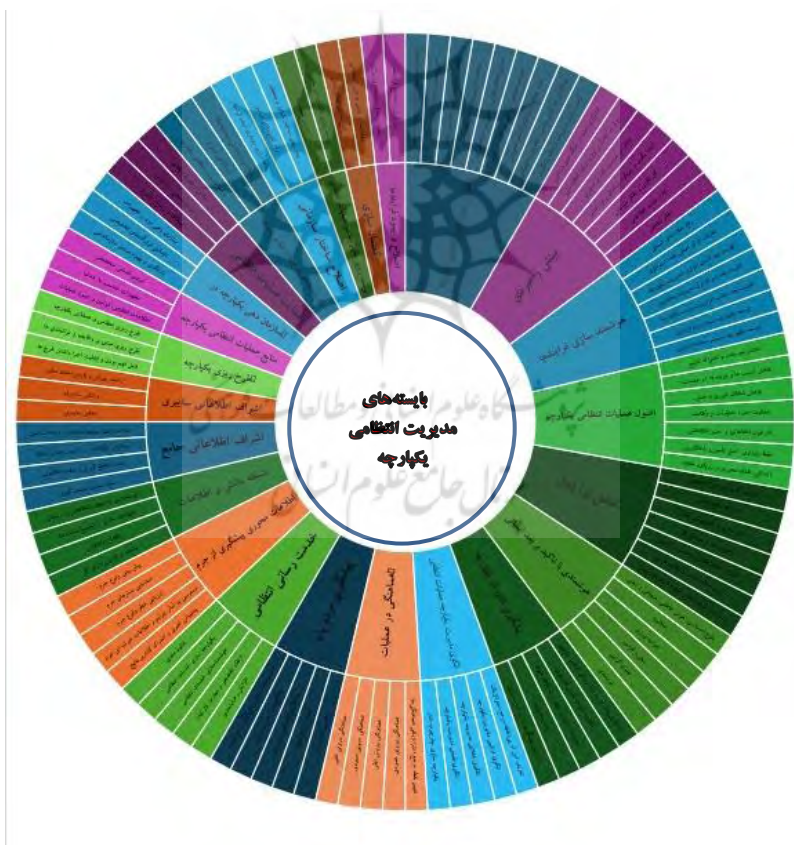
<p>بینش راهبردی</p>	<p>تفکر ایجابی، عدم خست اطلاعاتی، کل‌نگری و تفکر سیستمی، آینده‌نگری و رویکرد فرافعال و فرا کنشی، تعریف نقشه راه -اشتراک بانک‌های اطلاعاتی، رصد و پایش مداوم انتظام ملی، حضور فعال در حوزه سیاست‌گذاری فضای مجازی، مؤثر در تعادل و توازن ارکان انتظام ملی، کنشگری فعال در جنگ‌های شناختی، برجسته‌سازی سهم و نقش فراجا در انتظام و امنیت ملی</p>	<p>۴</p>
<p>هوشمندی با تأکید بر بعد انسانی</p>	<p>خردمندی، تحول‌گرایی، تجربه‌گرایی، جرأت‌ورزی، خلاقیت، بلوغ احساسی، هوش عاطفی، هیجانی و ذهنی</p>	<p>۵</p>
<p>وحدت فرماندهی در عملیات انتظامی یکپارچه</p>	<p>وحدت فرماندهی منظم و یکپارچه، فرماندهی متمرکز، مرجع مدیریت انتظامی یکپارچه</p>	<p>۶</p>
<p>هدایت عملیات انتظامی</p>	<p>دانش و تجربه انتظامی، هنر فرماندهی و مدیریت، انعطاف و خطرپذیری</p>	<p>۷</p>
<p>برنامه‌ریزی یکپارچه در عملیات انتظامی</p>	<p>برنامه‌ریزی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) یکپارچه کارا و اثربخش، تدوین نقشه راه و انتخاب بهترین مسیر تحقق هدف</p>	<p>۸</p>
<p>سازماندهی یکپارچه در عملیات انتظامی</p>	<p>سازماندهی مناسب نیروی انسانی و تجهیزات، تشکیل قرارگاه‌های تخصصی، بازنگری و بهبود مستمر سازماندهی</p>	<p>۹</p>
<p>هماهنگی در عملیات انتظامی یکپارچه</p>	<p>هماهنگی درونی افقی، هماهنگی درونی عمودی، هماهنگی بیرونی افقی، هماهنگی بیرونی عمودی، تعیین نقطه مرجع راهبردی هماهنگی‌ها</p>	<p>۱۰</p>
<p>اصول عملیات انتظامی یکپارچه</p>	<p>آمادگی، اقدام‌محوری و رویکرد مقابله و برخورد، حفظ پایداری و توجه به اصل تأمین و غافلگیری، اشرافیت اطلاعاتی با رعایت ملاحظات صبر اطلاعاتی، مسئول‌سازی و شفافیت حوزه اختیارات، وظایف و مسئولیت‌ها، کاهش شکاف نظری</p>	<p>۱۱</p>

	و عمل، کاهش آسیب‌ها و هزینه‌ها در عملیات، انتشار تجربیات و اشتراک گذاری نتایج عملیات	
الگوی مدیریت یکپارچه عملیات انتظامی	یکپارچه‌سازی چارچوب مدار با حفظ استقلال، تعریف نقطه مرجع راهبردی (اس آر پی)، مدیریت انتظامی یکپارچه مبتنی بر مدیریت دانش	۱۲
منابع عملیات انتظامی یکپارچه	نیروی انسانی متخصص، آموزش دیده و متناسب با مأموریت، تجهیزات و امکانات متناسب با عملیات انتظامی هدف، اطلاعات انتظامی، قوانین و اصول عملیات انتظامی	۱۳
طرح‌ریزی یکپارچه عملیات انتظامی	طرح‌ریزی انتظامی و عملیاتی یکپارچه، طرح‌ریزی مبتنی بر وظایف و توانمندی‌ها، قابل فهم بودن و قابلیت اجرا داشتن طرح‌های انتظامی	۱۴
دکترین پیشگیری انتظامی یکپارچه	قاعده‌سازی و توسعه فرهنگ پیشگیری، پیشگیری هم‌افزای وضعی، انتظامی و اجتماعی، عدم حاکم بودن تفکر کشف محوری و رقابت مخرب سازمانی برای کشف، تعریف شاخص ارزیابی پیشگیری از جرم، تعدیل شکاف نظری و عملی در هماهنگی پلیس‌های تخصصی در راستای پیشگیری از جرم، شناخت جرایم و لایه‌های پنهان جرم، کاهش زمان دستگیری، کشف و مقابله با جرایم، خارج نمودن مجرم از چرخه جرم و عدم بازگشت مجدد به چرخه جرایم، پژوهش محوری و فناورانه نمودن فرایندهای پیشگیری از جرم	۱۵
گفتمان‌سازی	استفاده از ظرفیت و مشارکت مردمی، فرهنگ‌سازی و آموزش همگانی، اندیشه‌ورزی و تعامل با جامعه نخبگان، تعامل هم‌افزا با ساختارهای دانشی و پژوهشی، الگوساز، روشن‌گر و آگاهی‌بخش، هدایت‌گر ذهنی و عینی اجتماعی، اقناع‌سازی انتظام‌بخش	۱۶

<p>تعامل فرا فعال</p>	<p>شناخت درست ظرفیت‌های سازمانی و توجه به حوزه کارکردی پلیس، پلیس مساله‌محور و مطالبه‌گری، فعال و انتظام‌بخش در سیاست‌گذاری، تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، مؤثر در تعادل و توازن ارکان انتظام ملی، مسئول‌سازی اجتماعی و نهادی و تقسیم کار نهادی، مسئول‌سازی سازمان‌های ذی‌مدخل و استفاده مطلوب از ظرفیت‌ها، ایجاد الزامات متقن برای سایر دستگاه‌ها و تعدیل کج کارکردی‌ها با استفاده از ظرفیت شورای امنیت کشور، توانمندسازی ذی‌نفعان و برون‌سپاری خدمات دارای قابلیت برون‌سپاری، توسعه فرهنگ سازمانی، اشتراک منافع تعامل، میانجی‌گری در حل اختلافات</p>	<p>۱۷</p>
<p>اصلاح ساختار سازمانی</p>	<p>پیش‌بینی ساختار شناور و منعطف، رفع کمبودهای اساسی، پیاده‌سازی معماری آینده فراجا</p>	<p>۱۸</p>
<p>اصلاح و بهبود فرایندها</p>	<p>بازنگری و اصلاح فرایندهای سنتی مدیریت انتظامی، ادغام فرایندهای مشابه و حذف فرایندهای اضافی و موازی، مدیریت استعدادها و افزایش رضایت‌مندی و انگیزه کارکنان</p>	<p>۱۹</p>
<p>خدمت‌رسانی انتظامی</p>	<p>چشم‌انداز سازمانی و قانون‌مندی، کنشگری فعال در حوزه تقنینی، یکپارچه‌سازی خدمات انتظامی، انسجام بخشی و هوشمندسازی خدمات انتظامی یکپارچه، ارتقاء سطح تخصص و مهارت کارکنان، توسعه مجتمع‌های انتظامی، افزایش رضایت‌مندی</p>	<p>۲۰</p>
<p>پیشگیری مردم پایه</p>	<p>امنیت محله‌محور، بازیگران امنیت محلات و کارکردها، مؤسسات خدماتی مراقبتی، منابع اطلاعاتی محلی، پیشگیری وضعی مردم پایه، پیشگیری اجتماعی مردم پایه، مشارکت فرافعال، خیرین امنیت‌ساز، انتشار دستاوردها</p>	<p>۲۱</p>
<p>اشراف اطلاعاتی جامع</p>	<p>شناخت دقیق محیط سازمان و مسأله‌شناسی، پالایش اطلاعات و به‌روزرسانی اطلاعات، رصد، تقاطع‌گیری داده‌ای مستمر و ادغام اطلاعات، ساده‌سازی تصمیم‌گیری</p>	<p>۲۲</p>

اطلاعات محوری پیشگیری از جرم	پیش‌بینی وقوع جرم، شناسایی بسترهای جرم، ارزیابی خطر وقوع جرم، پویا محیطی و علت‌شناسی جرم، دسترسی به آمار جرایم، دسترسی به اطلاعات خوشه‌ای افراد، تجمیع بانک اطلاعاتی مجرمین و تکمیل فرایند چرخش اطلاعات، پشتیبانی خبری از واحدهای عملیاتی و اشتراک‌گذاری نتایج	۲۳
شبکه دانش و اطلاعات	توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، یکپارچه‌سازی سیستمی و تجمیع سامانه‌های اطلاعاتی، تکامل اطلاعاتی، پشتیبانی، اشتراک اطلاعات و سامانه مرکزی پردازش گر	۲۴

شکل شماره (۴): الگوی مفهومی بایسته‌ها و محورهای مدیریت انتظامی یکپارچه پیشگیری از جرم توسط فراجا



بر اساس مدل مفهومی شکل (۴)، در مجموع ۱۳۶ شاخص ذیل ۲۴ محور به‌عنوان بایسته‌های مدیریت انتظامی یکپارچه پیشگیری از جرم توسط فراجا شناسایی شدند که شاخص‌های رصد، پویش و پایش محیط سایبر، واکنشی سایبری و تحلیل سایبری، ذیل محور اشراف اطلاعاتی جامع؛ پیش‌بینی وقوع جرم‌شناسایی بسترهای جرم، ارزیابی خطر وقوع جرم، دسترسی به آمار جرایم و اطلاعات خوشه‌ای افراد، پشتیبانی خبری از واحدهای عملیاتی و اشتراک‌گذاری نتایج، ذیل محور اطلاعات محوری پیشگیری از جرم؛ توسعه زیر ساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، یکپارچه‌سازی سیستمی و تجمیع سامانه‌های اطلاعاتی، تکامل اطلاعاتی، پشتیبانی، اشتراک اطلاعات و سامانه مرکزی پردازش‌گر، ذیل محور شبکه دانش و اطلاعات؛ پیش‌بینی ساختار شناور و منعطف، رفع کمبودهای اساسی، پیاده‌سازی معماری آینده فراجا، بازنگری و اصلاح فرایندهای سنتی مدیریت انتظامی، ادغام فرایندهای مشابه و حذف فرایندهای اضافی و موازی، مدیریت استعدادها و افزایش رضایت‌مندی و انگیزه کارکنان، ذیل محورهای اصلاح ساختار سازمانی و بهبود فرایندها؛ قانون‌مندی، کنش‌گری فعال در حوزه تقنینی، یکپارچه‌سازی خدمات انتظامی، هوشمندسازی خدمات انتظامی یکپارچه، ارتقاء سطح تخصص و مهارت کارکنان و افزایش رضایت‌مندی، ذیل محور خدمات‌رسانی انتظامی؛ امنیت محله‌محور، بازیگران و کارکردها، پیشگیری وضعی مردم‌پایه، پیشگیری اجتماعی مردم‌پایه، مشارکت فرافعال، خیرین امنیت‌ساز، ذیل مؤلفه پیشگیری مردم‌پایه از جرم؛ الگوساز، روشن‌گر و آگاهی‌بخش، هدایت‌گری ذهنی و عینی اجتماعی، اقناع‌سازی و انتظام‌بخش، ذیل محور گفت‌وگو؛ شناخت درست ظرفیت‌های سازمانی و حوزه کارکردی پلیس، پلیس مسأله‌محور و مطالبه‌گری، فعال و انتظام‌بخش در سیاست‌گذاری، مسئول‌سازی اجتماعی و نهادی و تقسیم کار نهادی، اشتراک منافع تعامل و میانجی‌گری در حل اختلافات، ذیل محور تعامل فرافعال؛ وحدت فرماندهی نظام‌مند، فرماندهی متمرکز، مرجع مدیریت انتظامی یکپارچه، دانش و تجربه انتظامی،

هنر فرماندهی و مدیریت و انعطاف و خطرپذیری، ذیل محورهای وحدت فرماندهی و هدایت عملیات انتظامی؛ برنامه‌ریزی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) یکپارچه کارا و اثربخش، تدوین نقشه راه و انتخاب بهترین مسیر تحقق هدف، ذیل محور برنامه‌ریزی یکپارچه در عملیات انتظامی؛ سازمان‌دهی مناسب نیروی انسانی و تجهیزات، تشکیل قرارگاه‌های تخصصی، بازنگری و بهبود مستمر سازماندهی، ذیل محور سازمان‌دهی یکپارچه در عملیات انتظامی؛ هماهنگی درونی افقی، هماهنگی درونی عمودی، هماهنگی بیرونی افقی، هماهنگی بیرونی عمودی و تعیین نقطه مرجع راهبردی هماهنگی‌ها، ذیل محور هماهنگی یکپارچه عملیات انتظامی؛ آمادگی، اقدام‌محوری و رویکرد مقابله و برخورد، حفظ پایداری و توجه به اصل تأمین و غافلگیری، اشرافیت اطلاعاتی با رعایت ملاحظات صبر اطلاعاتی، مسئول‌سازی و شفافیت حوزه اختیارات، وظایف و مسئولیت‌ها، کاهش شکاف نظریه و عمل، کاهش آسیب‌ها و هزینه‌ها در عملیات، انتشار تجربیات و اشتراک‌گذاری نتایج عملیات، ذیل مؤلفه اصول عملیات انتظامی یکپارچه؛ یکپارچه‌سازی چارچوب مدار با حفظ استقلال، الگوی طبیعی مدیریت یکپارچه، الگوی عقلایی مدیریت یکپارچه، الگوی ترکیبی مدیریت یکپارچه، تعریف نقطه مرجع راهبردی و مدیریت انتظامی یکپارچه مبتنی بر مدیریت دانش، ذیل محور الگوی مدیریت یکپارچه عملیات انتظامی؛ طرح‌ریزی انتظامی و عملیاتی یکپارچه، طرح‌ریزی مبتنی بر وظایف و توانمندی‌ها، قابل فهم بودن و قابلیت اجرا داشتن طرح‌های انتظامی، ذیل محور طرح‌ریزی یکپارچه عملیات انتظامی؛ نیروی انسانی متخصص آموزش دیده و متناسب با مأموریت، تجهیزات و امکانات متناسب با عملیات انتظامی هدف، اطلاعات انتظامی، قوانین و اصول عملیات انتظامی ذیل، محور منابع عملیات انتظامی یکپارچه؛ قاعده‌سازی و توسعه فرهنگ پیشگیری، پیشگیری هم‌افزای وضعی، انتظامی و اجتماعی، عدم حاکم بودن تفکر کشف‌محوری و رقابت مخرب سازمانی برای کشف، تعریف شاخص ارزیابی پیشگیری

از جرم، تعدیل شکاف نظری و عملی در هماهنگی پلیس‌های تخصصی در راستای پیشگیری از جرم، شناخت جرایم و لایه‌های پنهان جرم، کاهش زمان دستگیری، کشف و مقابله با جرایم، خارج نمودن مجرم از چرخه جرم و عدم بازگشت مجدد به چرخه جرایم، پژوهش محوری و فناورانه نمودن فرایندهای پیشگیری از جرم، ذیل محور دکنترین پیشگیری انتظامی یکپارچه؛ رصد، پویش و پایش محیط سایبر، واکنشی سایبری، تحلیل سایبری، ذیل محور اشراف اطلاعاتی سایبری؛ شناسایی، اطلاع‌رسانی و آموزش پیشگیری از جرایم سایبری، دانش محوری، نصب دوربین‌های توزین، چهره‌زن، پلاک‌خوان و ...، نظام‌مند نمودن پایش تصویری، و کنشگری فعال در به‌روزرسانی قوانین حوزه سایبر، ذیل محور پیشگیری فناورانه یکپارچه؛ توسعه یکپارچه سیستم سخت‌افزاری، توسعه یکپارچه سیستم نرم‌افزاری، تقویت بعد سخت‌افزاری مدیریت یکپارچه، تقویت بعد نرم‌افزاری مدیریت یکپارچه، تقویت بعد انسان‌افزاری مدیریت یکپارچه، تعریف مرکز اصلی نقطه راهبردی و رفع خلاءهای انسانی، ذیل محور هوشمندسازی فرایندها؛ تفکر ایجابی، عدم خست اطلاعاتی، کل‌نگری و تفکر سیستمی، آینده‌نگری و رویکرد فرافعال و فراکنشی، فعال در حوزه سیاست‌گذاری فضای مجازی، موثر در تعادل و توازن ارکان انتظام ملی و کنشگری فعال در جنگ‌های شناختی، ذیل محور بینش راهبردی؛ خردمندی، تحول‌گرایی، تجربه‌گرایی، جرأت‌ورزی، خلاقیت، بلوغ احساسی، هوش عاطفی، هیجانی و ذهنی، ذیل محور هوشمندی و بعد انسانی از جمله الزامات مدیریت انتظامی یکپارچه در راستای پیشگیری از جرم توسط فراجا هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه باهدف بررسی بایسته‌های مدیریت انتظامی یکپارچه پلیس‌های تخصصی در پیشگیری از جرم در فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها و مصاحبه با مدیران ارشد پلیس‌های تخصصی و نیز معاونت عملیات فراجا، بیانگر این است که پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان یکی از

مأموریت‌های مصرح فراجا که به‌طور عمده با محوریت پلیس‌های تخصصی انجام می‌شود؛ نقش بسیار مهمی در امنیت عمومی جامعه دارد و موفقیت برنامه‌های پیشگیرانه که مهم‌ترین برآیند آن مهار و کاهش نرخ جرم است؛ در نهایت به ارتقاء احساس امنیت در جامعه منجر می‌شود. لیکن پیچیدگی و تنوع جرایم، تغییرات مداوم در شیوه و شگردهای ارتکاب جرم توسط مجرمین (تحت تأثیر ابزار و فناوری‌های جدید)، سیال بودن محیط‌های مجرمانه باعث می‌شود؛ در موارد زیادی اغلب پلیس‌های تخصصی به‌صرف تکیه بر توانایی و قابلیت‌های خود نتوانند به تنهایی از عهده انجام مأموریت مواجه شده و یا محوله برآیند. مضاف بر اینکه در موارد زیادی کنش یا واکنش هر کدام از پلیس‌های تخصصی فراجا در حوزه مأموریتی خود، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی در سایر بخش‌ها داشته و موفقیت یا عدم موفقیت آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ بنابراین مدیریت انتظامی یکپارچه پلیس‌های تخصصی در پیشگیری از جرم مستلزم یکپارچه‌سازی سیستم‌های تعریف شده و هماهنگی حداکثری پلیس‌های تخصصی در گام‌های مختلف برنامه‌ریزی، پیاده‌سازی و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه است که توجه به بایسته‌های اشراف اطلاعاتی جامع و اطلاعات محوری پیشگیری از جرم توأم با توسعه شبکه دانش و اطلاعات، اصلاح ساختار سازمانی و بهبود فرایندها، خدمات‌رسانی انتظامی یکپارچه با تأکید بر پیشگیری مردم پایه از جرم، تعامل فرافعال با ذی‌نفعان، وحدت فرماندهی و هدایت عملیات انتظامی با اتخاذ برنامه‌ها و سازمان‌دهی یکپارچه و هماهنگ بر اساس اصول عملیات انتظامی و الگوی مدیریت یکپارچه با طرح‌ریزی مناسب و به‌روزرسانی دکتترین پیشگیری انتظامی، توسعه پیشگیری فناورانه و هوشمندسازی فرایندها، کل‌نگری با بینش راهبردی به‌منظور مدیریت انتظامی یکپارچه پلیس‌های تخصصی در پیشگیری از جرم؛ می‌تواند فرماندهان، مدیران و رؤسای پلیس‌های تخصصی را در صحنه سیاست‌گذاری و میدان اجرای سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده راهنما و کمک کار باشد. نتایج این پژوهش با یافته‌های امیری و همکاران

(۱۴۰۳)، از جهت پرداختن به هماهنگی بین سازمان‌ها، بسترسازی و وحدت فرماندهی در یکپارچگی درون‌سازمانی، نهادی و برنامه‌ای؛ رضایت و همکاران (۱۴۰۱)، در پرداختن به ابعاد یکپارچه‌سازی؛ فرجی‌راد و همکاران (۱۴۰۰)، در هوشمندسازی فرایندهای مدیریت انتظامی؛ نعمتی شمس‌آباد و معینی (۱۳۹۴)، در نگرش سیستمی به سازمان؛ منتظری و ستوده (۱۳۹۲)، در تأثیر سیستم‌های مدیریت یکپارچه بر بلوغ سازمانی؛ اسپیرویولوس و همکاران (۲۰۲۳)، در پرداختن به سیستم اطلاعاتی یکپارچه در راستای پیشگیری و مقابله با جرایم؛ مازورانا و آلمیدا (۲۰۲۲)، در ادغام و یکپارچه‌سازی بخش‌های مختلف پلیس؛ رابرتسون (۲۰۲۱)، در ضرورت اشتراک اطلاعات؛ مدیروسکی و زیوت (۲۰۲۰)، در رویکرد یکپارچه‌سازی در مدیریت و برنامه‌ریزی، لزوم مدیریت یکپارچه در سازمان و تأثیر آن بر کارایی سازمان، هماهنگی و هم راستایی دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. بازنگری در ساختار پلیس‌های تخصصی با تعیین یک مرجع راهبردی هماهنگی در تدوین و اجرای یکپارچه برنامه‌های پیشگیری از جرم در فراجا؛
۲. پیوند کامل سیستم‌های پلیس‌های تخصصی به همدیگر و روان‌سازی تبادل اشتراک داده و اطلاعات بین آنها، به منظور توسعه اطلاعات محوری در پیشگیری از جرم و جامعیت بخشی به اشراف اطلاعاتی؛
۳. تجویز بایسته‌های شناسایی شده در راستای یکپارچه‌سازی مدیریت انتظامی پلیس‌های تخصصی در پیشگیری از جرم و ارزیابی نتایج و میزان اثربخشی آنها.

سپاس‌گزاری

از رؤسا، مدیران و کلیه همکاران محترم در پلیس‌های تخصصی و نیز معاونت عملیات فراجا که در گردآوری یافته‌های این پژوهش کمک کردند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

- ۱) اعتبارریان خوراسگانی، اکبر. (۱۳۸۰). اندیشه سیستمی با تأکید بر نقاط اهرمی. *دوماهنامه مدیریت*، ۱۰(۵۷)، ۲۳-۴۵.
- ۲) اعرابی، محمد. (۱۳۸۵). *مدیریت. دفتر پژوهش‌های فرهنگی*.
- ۳) امیری، محمد جواد؛ مقدم زاده، وحید؛ نبی بیدهندی، غلامرضا. (۱۴۰۳). توسعه الگوی یکپارچه برنامه‌ریزی و مدیریت در مناطق آزاد. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۱۶(۱)، ۱-۲۶.
https://jipa.ut.ac.ir/article_94719.html
- ۴) بارانی، محمد؛ مدنی، شهرام. (۱۴۰۱). پیشگیری معکوس از جرم با تأکید بر مداخلات پیشگیرانه پلیس. *پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس*، ۳(۷)، ۹۷-۱۲۰.
http://cr.jrl.police.ir/article_99169.html
- ۵) تای بولت، ادوراد. (۱۹۹۷). *مدیریت پلیس بر اساس پیشگیری از وقوع جرم*، ترجمه گروه مترجمان اداره کل پژوهش و تألیفات. معاونت تربیت و آموزش فراجا.
- ۶) جزینی، علیرضا. (۱۳۹۱). *مدیریت ستادی پیشگیری انتظامی از جرم*. معاونت تربیت و آموزش.
- ۷) جهانشیری، جواد. (۱۳۹۹). *الگوی راهبردی مدیریت یکپارچه پیشگیری و مقابله با جرایم سایبری در جمهوری اسلامی ایران*. دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۸) حضرتی، صمد. (۱۴۰۲). واکاوی اندیشه‌های راهبردی مقام معظم رهبری در تحول و تعالی پیشگیری از وقوع جرم. نخستین همایش ملی اندیشه‌های قضایی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی). چکیده مقاله‌های همایش.
- ۹) رضایت، غلامحسین؛ عصار، عباس؛ شیرازی، سیدعلیرضا؛ نوروزی، داریوش؛ سعیدی، عباس؛ تسلیمی کار، بهروز؛ شیخ الاسلام، بهروز. (۱۴۰۱). *الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ*. نشریه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۰(۹۰)، ۲۵-۴۴.
https://sds.sndu.ac.ir/article_2197.html
- ۱۰) رهنورد، فرج الله. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر عملکرد ادغام سازمانها در بخش دولتی ایران. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۹(۳۲)، ۵۶۹-۵۹۰.
doi:10.22059/jipa.2018.246515.2134

- ۱۱) سلیمی، اکبر. (۱۳۹۷). *رویه‌های پیشگیری از جرم*. دانشگاه علوم انتظامی امین.
- ۱۲) شاطری پور، شهید. (۱۳۸۵). *مطالعه جرم‌شناختی کنوانسیون پالمو و مریدا*. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۳) شجاعی، سید علیرضا. (۱۳۹۷). *کیسول مدیریت*. انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ۱۴) فرجی‌ها، محمد. (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات همایش پیشگیری از جرم (رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم)*. معاونت آموزش نیروی انتظامی.
- ۱۵) فرجی‌راد، خدر؛ عامری، محمدعلی؛ فتحی جلالی، آرش؛ پریشان، مجید. (۱۴۰۰). *هوشمندسازی مدیریت انتظامی بحران‌های طبیعی (زلزله) در شهر تهران*. پژوهش‌های مدیریت انتظامی. ۱۶(۴)، ۲۲۹-۱۹۵.
- http://pmsq.jrl.police.ir/article_98052.html
- ۱۶) گودرزی، محمود. (۱۴۰۰). *پیشگیری وضعی از جرم*. دانشگاه علوم انتظامی امین.
- ۱۷) منافی، سمیه؛ سرایی، محمد حسین. (۱۳۹۵). *مدیریت یکپارچه بحران با تأکید بر ایمنی شریان‌های حیاتی در شهر تهران*. *دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، ۶(۲)، ۱۲۰-۱۳۲.
- <http://dpmk.ir/article-1-58-fa.html>
- ۱۸) غازی، ایران؛ منتظری، محمد؛ ستوده، احسان. (۱۳۹۳). *تأثیر استقرار سیستم مدیریت یکپارچه بر بلوغ سازمانی؛ مورد مطالعه پالایشگاه چهارم گاز عسلویه*. فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، ۲(۲)، ۷۵-۶۵.
- https://ipom.journals.pnu.ac.ir/article_2488.html
- ۱۹) نعمتی شمس‌آباد، حسنعلی؛ معینی، علی. (۱۳۹۴). *یکپارچه‌سازی سیستم‌های اطلاعات بین سازمانی - ارائه مدلی برای شناخت دامنه مسئله یکپارچه‌سازی*. فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، ۷(۳)، ۶۹۶-۶۷۵.
- <https://www.sid.ir/paper/140344/fa>
- ۲۰) نوروزی، حمید. (۱۳۹۸). *مدیریت بهره‌وری با تکیه بر فرهنگ سازمانی*. به‌آوران.
- 21) Adrin, C. (2015). *Information security management- part of the integrated management system*. Acta universitatis cibiniensis-technical series.

- 22) Barboza, A., & de souza, G., and da silva, L. (2021). *Integrated Management Systems: their organizational impacts*. Total Quality manegmant & Business Exellence, 10(33), 794-817. <http://www.homestead.com/liso1400I/1S014000IS09000integration>.
- 23) Buttkus, M., & Eberenz, R. (2019). *Performance Management in Retail and the Consumer Goods Industry*. Best Practices and Case Studies.
- 24) Creasey, T., & Stise, R. (2016). *Best change management methods (version 9)*. Prosci Inc.
- 25) Hasselbring, W. (2000). *Information Systems Integration: ACM – Communications of the ACM*, 43 (6), 33-38.
- 26) Griffith, A. (2000). *Integrated management systems. A single management system solution for project control*. Engineering, construction and Architectural management.
- 27) International Report on Crime Prevention and Community Safety, Trends and Perspectives. (2012). Published by, International Centre for the Prevention of Crime (ICPC).
- 28) Jackson, S. (2001). *Integrated management systems for business success*. How to integrate ISO9000 and ISO 14000 systems.
- 29) Karapetrovic, S. (2003). *Musings on integrated management*. Measuring Business Excellence.
- 30) Mazzurana, M., & Almeida, V. (2022). Integrated Information Circle: The Challenge of Integrating the Civil and Military Police. *Revista de Administração Contemporânea*, 7(26), 37-51. <https://doi.org/10.1590/1982-7849rac2022200375.en>.
- 31) Medirose, E., & Zwet, A. (2020). Evaluating Integrated Sustainable Urban Development Strategies: a methodological framework applied in Portugal: *European Planning Studies*, 28(3), 563-582.
- 32) Milojevic, B. (2018). *Integrated Urban Planning in theory and practice*. DOI:10.7251/STP1813323M
- 33) Puschman, T., & Alt, R. (2004). Enterprise Application Integration Systems and Architecture. the Case of the Robert Bosch Group. *The Journal of Enterprise Information Management*, 17 (2). 105-1160.

- <https://www.academia.edu/60539867/Enterprise.Application.Integration.The.Case.of.the.Robert.Bosch.Group>
- 34) Robertson, H. (2011). *Integration of health and social care A review of literature and models Implications for Scotland*, Royal college of Nursing Scotland, Prepared for the RCN.
- 35) Sherman, A.J., & Hart, M.A. (2006). *Integration and Recruitment: From A to Z*, New York: American Management Association.
- 36) Skoglund, S. (2002). *Extending Life Expectancy of Existing Enterprise Information Systems - A Study within SKF AB*. Master of Science Thesis: Goteberg University, Department of Informatics.
- 37) Spyropoulos, A., & Bratsas, CH., & Makris, G., & Garoufallou, E., & Tsiantos, A. (2023). ManInteroperability-Enhanced Knowledge Management in Law Enforcement: *An Integrated Data-Driven Forensic Ontological Approach to Crime Scene Analysis*. *Information* , 14(11), 607.
<https://doi.org/10.3390/info14110607>